

شام خداوند

The Lords Supper

قبل از اینکه به آیین مشارکت بپردازیم لازم است که صحبتی درباره فصیح داشته باشیم . سایه طبیعی عهد عتیق به واقعیت فوق طبیعی عهد جدید منتهی می شود. عید فصیح هنوز یکی از مهمترین اعیاد جامعه یهودی است . خدا به اسرائیلیان امر کرد که هر خانواده یک بره را ذبح کرده ، گوشت آنرا بخورد و خون آنرا بر هر دو قائمه و سردر خانه هابپاشند. (خروج 12). توجه داشته باشید که به هیچ وجه نمی بایست آن را در آستانه بگذارند به طوری که پایمال شود.

واژه عبری "سبح" به معنی "از بالا گذاشتن و نزدن" است . در زمانی که همه پسران نخست زاده مصریان توسط فرشته هلاک شدند، پسران نخست زاده اسرائیل رهایی یافتند. زیرا خداوند گفته بود: "و آن خون ، علامتی برای شما خواهد بود، برخانه هایی که در آنها می باشید، و چون خون را ببینم ، از شما خواهم گذشت و هنگامی که زمین مصر را می زخم ، آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد." (خروج 12: 13). خون بره ، کفاره و علامتی برای محافظت در برابر مجازات یهوه بود. در حالی که در تمام خانه های مصریان فریاد فغان و ناله بلند شده بود، اسرائیلیان در خانه های خود در امنیت کامل به سر می بردند. غضب الهی نمی توانست به آنها آسیبی برساند، چرا که بره به جای آنها ذبح شده بود. به همین ترتیب برگزیدگان نیز از غضب و خشم الهی آسیب نخواهند دید چرا که بره خدا کفاره و محافظ آنان است . پولس به کلیسا چنین می نویسد: "... زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است ." (اول قرنتیان 5 : 7) ، "... تادیب سلامتی ما بر وی آمد..." (اشعیاء 53 : 5). ما بواسطه مرگ او صاحب آشتی و حیات جاوید می شویم .

خداوند از طریق موسی حکم نمود که به یادگاری روز قربانی فصیح و خروج مراسمی برپا دارند: "و آن روز، شما را برای یادگاری خواهد بود، و در آن ، عیدی برای خداوند نگاه دارید، و آنرا به قانون ابدی ، نسلا بعد نسل عید نگاه دارید." (خروج 12 : 14). در آیه های 26 و 27 چنین ادامه می دهد: "و چون پسران شما به شما گویند که این عبادت شما چیست . گویند این قربانی فصیح خداوند است ، که از خانه های بنی اسرائیل در مصر عبور کرد، وقتی که مصریان را زد و خانه های ما را خلاصی داد..."

به همین ترتیب مراسم شام خداوند را به یادگاری رهایی خود (از گناه) به جا می آوریم . و این تا زمانی است که خداوند ما باز آید (اول قرنتیان 11 : 26). از یک طرف به آن روز بزرگ آشتی و از طرف دیگر به آن روز پر جلال که در آن همه فدیه شدگان ، شام خداوند را با نجات دهنده خود برپا خواهند کرد فکر می کنیم . خداوند ما در زمان نهادینه کردن شام مقدس چنین می گوید: "... این را به یاد من بجا آرید." (لوقا 22 : 19). در زمان برگزاری شام خداوند، عمل فدیه را که به صورت کامل تحقق یافته است به یاد می آوریم و بار دیگر آن کاری را که در صلیب برای ما انجام شد در پیش خود مجسم می کنیم .

بره فصیح به عنوان جایگزین ذبح می شد و نان های فطیر (نان بدون خمیر مایه) خورده می شد. نوشته شده است: "هفت روز نان فطیر خورید، در روز اول خمیر مایه را از خانه های خود بیرون کنید، زیرا هر که از روز نخستین تا روز هفتمین چیزی خمیر شده بخورد، آن شخص از اسرائیل منقطع گردد." (خروج 12 : 15). لازم بود که این حکم با جدیت دنبال گردد.

بنیاد فصیح درست پیش از آزادی اسرائیل از مصر گذاشته شد، و شام خداوند نیز در حین خوردن فصیح و پیش از فدیه کلیسا برگزار شد: "و چون وقت رسید با دوازده رسول بنشست ، و به ایشان گفت : اشتیاق بی نهایت داشتم که پیش از زحمت دیدنم ، این فصیح را با شما بخورم ، زیرا به شما می گویم از این دیگر نمی خورم تا وقتی که در ملکوت خدا تمام شود." (لوقا 22 : 14-16). در آیه های 7-13 نیز برای ما نقل شده است که عیسی ، پطرس و یوحنا را با این دستور فرستاد: "... بروید و فصیح را به جهت ما آماده کنید تا بخوریم ... " و هنگامی که پیش صاحب خانه رسیدند به وی گفتند: "... استاد تو را می گوید مهمان خانه کجاست تا در آن فصیح را با شاگردان خود بخورم ... " در متی 26 : 26 چنین آمده است: "و چون ایشان غذا می خوردند، عیسی نان را گرفته ، برکت داد و پاره کرده ، به شاگردان داد و گفت :

بگیرید و بخورید این است بدن من. زمانیکه خداوند نان را برداشته و این سخنان را بر زبان آورد، به صورت فیزیکی در جسم خود حضور داشت. او بدن خود را در دستهایش نگرفته بود، بلکه نان فطیری را که برای عید فصح پخته بودند.

شام خداوند

در مراسم عشاء کتاب مقدسی از نان بدون خمیر مایه استفاده می شود. این نان در دعا تقدیس و مبارک می شود، سپس شکسته شده و تقسیم می گردد. با گرفتن نان شکسته شده، ایمانداران اعتراف می کنند که بدن عیسی شکنجه شده و مصلوب گردیده است. آنها همچنین قبول می کنند که بواسطه عملی که در صلیب انجام شد، شریک در بدن مسیح یعنی کلیسا شده اند که به وی تعلق دارد.

پولس می نویسد: "زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: بگیرید بخورید. اینست بدن من که برای شما (از عبارت برای شما نباید غافل شد) پاره می شود. این را به یادگاری من به جا آرید. و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من. هر گاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید. زیرا هر گاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهری نمایید تا هنگامی که باز آید" (اول قرنتیان 11: 23-26). پولس می توانست روش خود را به خداوند نسبت دهد، چراکه این روش را از خود او یافته بود که چگونه باید شام خداوند را برگزار کند، و به این صورت خودش را به مقدمه عشاء ربانی به همان ترتیبی که در اناجیل شرح داده شده است ارجاع داد.

در لوقا 22: 20 آمده است: "و همچنین بعد از شام پیاله را گرفت و گفت: این پیاله عهد جدید است در خون من که برای شما ریخته می شود." پیاله محتوی شراب بود، و خون عهد جدید هنوز در رگهای عیسی جاری بود، و فقط بر روی صلیب بود که ریخته شد. در اینجا صحبت از تبدیل این دو عنصر به جسم و خون نیست. نه خداوند و نه شاگردان، هیچ کدامشان واقعاً خون او را نخوردند، زیرا که عیسی می گوید: "...زیرا به شما می گویم که تا ملکوت خدا نیاید، از میوه مو دیگر نخواهم نوشید." نان و شراب نمادهایی از بدن و خون عیسی مسیح هستند، ولی باز نان و شراب باقی می ماند. پس با این وجود عیسی با اینها (نان و شراب) عهد جدید را نشان داد که با مرگ او تحقق یافته و لازم الاجرا شد.

پس نتیجه می گیریم که مسیح هر بار خود را قربانی نمی کند، بلکه همانطوری که در عبرانیان 10: 12 آمده این کار را یک بار برای همیشه انجام داده است، تا رفته و در دست راست خدا بنشیند. شرکت در عشاء ربانی فرصتی را برای یک ایماندار ایجاد می کند تا عملی را که با تقدیم بدن و خون انجام شده هر بار در حضور خدا یادآوری کند. قبل از عشاء هر فرزند خدا خود را تفتیش کرده و دوباره زندگی خود را به عنوان هدیه ای بر قربانگاه به خدا تقدیم می کند. ما صحنه ذبح و جان دادن مسیح را مجسم می کنیم و درد درونی عمیقی وجود ما را فرامی گیرد، و وقتی به بهای گزافی که منجی برای ما پرداخت کرده است می اندیشیم احساس حقارت می کنیم. به گفته کتاب مقدس او با خون خود برای یک دفعه وارد مکانهای مقدس و آسمانی شده آن را به تخت رحمت تقدیم کرد و بدین ترتیب فدیة ای ابدی به ما داد (عبرانیان 9: 12).

عهدی نو بسته شده و روز نجات در حال شروع شدن بود. باز لازم است که مقایسه ای بین عهد عتیق و عهد جدید داشته باشیم. در خروج 24: 6-8 از کتاب عهد، قوم عهدی که بر قوم پاشیده شد، سخن گفته شده است. عیسی می گوید: "زیرا که این است خون من در عهد جدید که در راه بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می شود." (متی 26: 28). منظور عیسی از آیه مذکور این بود که لازم است که خون پاک و مقدس و الهی او ریخته شود، و می بینیم که در اینجا صحبت از ریخته شدن شرابی که در جام بود نمی کند. او عهد جدید را برقرار نمود و قومی را خرید و با آن عهد بست. و این قوم رابطه مستقیمی با کتاب عهد دارند.

پولس می نویسد: "پیاله برکت که آن را تبرک می خوانیم، آیا شراکت در خون مسیح نیست؟ و نانی را که پاره می کنیم، آیا شراکت در بدن مسیح نیست؟ زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یک تن می باشیم چون که همه از یک نان قسمت می یابیم." (اول قرنتیان 10: 16-17). در اغلب موارد زمانی که درباره شام خداوند سخن می گویند یا می نویسند، این دو آیه مورد توجه قرار نمی گیرند، ولی این آیات هستند که کلیسا را به عنوان بدن و "جماعت مقدسین" و نتیجه عمل فدیة عیسی مسیح که جسم خود را برای ما تقدیم نمود نشان می دهند. نان مورد استفاده در عشاء، هم سمبل بدن مصلوب

مسیح است و هم نمادی از کلیسا، که اگرچه از اعضای بسیاری تشکیل شده است ولی مجموعه واحدی را نشان می دهد، و به همین علت است که نان قبل از تقسیم شدن ، تکه تکه می گردد.

شام خداوند

بدن مسیح ، مضروب و شکنجه شد، اما شکسته نشد! چنان که نوشته شده است: "استخوانی از او شکسته نخواهد شد." و در کتاب دیگری می گوید: "آن کسی را که نیزه زدند خواهند نگریست ." (یوحنا 19 : 36-37). این راز مسیح و کلیسای اوست که بواسطه عمل فدییه ، بدن او شده است . در اینجا صحبت از همه کسانی است که آشتی و بخشش کاملی را دریافت کرده اند. پولس می نویسد: "زیرا چنان که بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یکتا می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد." (اول قرنتیان 12 : 12). در این مساله راز بزرگی نهفته است ، مسیح در رابطه با اعضای بدنش است که کامل است . درباره او نوشته شده است: "و او بدن یعنی کلیسا را سراسر است ..."(کولسیان 1 : 18).

همانطوری که بدن زمینی ما مجموعه ای از سر و اعضا را تشکیل می دهد که به هم مرتبط می باشند، در مورد اعضای بدن عیسی مسیح نیز چنین است . اول قرنتیان 12 : 13 به ما می گوید که چطور می توان به چنین اتحادی دست یافت: "زیرا که جمیع مایه یک روح در یک بدن تعمید یافتیم ، خواه یهود، خواه یونانی ، خواه غلام ، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم ." البته این آب نیست بلکه روح است که مایل است تا در هر کس که توسط ایمان به عیسی مسیح ، به صورت کتاب مقدسی تعمید گرفته باشد عمل کرده و آنها را در بدن خداوند متحد کند. همه برگزیدگانی که فیض یافته و بواسطه روح القدس به این اتحاد الهی دست پیدا می کنند، بدن خداوند را تشکیل می دهند که مطیع او یعنی سر(بدن) است . آنها با هر کسی که از خدا برکت می گیرد شادی می کنند و با هر کسی که رنج می کشد، رنج می کشند. چنانکه در اول قرنتیان 12 : 26 نوشته شده است: "و اگر یک عضو دردمند گردد، سایر اعضا با آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضا با او به خوشی آیند."

ما در این مبحث به نقشهای گوناگون و ویژه بدن عیسی مسیح که پولس رسول در اول قرنتیان 12 : 18-20 از آنها صحبت می کند نخواهیم پرداخت: "لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده خود. و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می بود؟ اما الان اعضا بسیار است لیکن بدن یک ." و در آیه 27 چنین خلاصه می کند: "اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید."

پیش از شرکت در عشاء، رسول از ایمانداران می خواهد که خود را با این سخنان تفتیش کنند: "اما هر شخص خود را امتحان کند و بدین طرز از آن نان بخورد و از آن پیاله بنوشد. زیرا هر که می خورد و می نوشد، فتوای خود را می خورد و می نوشد اگر بدن خداوند را تمییز نمی کند." (اول قرنتیان 11 : 28-29). همه کسانی که به بدن مسیح تعلق دارند می پذیرند که داوری که باید بر آنها نازل می شد او را که گناه را نشناخت محکوم نمود. آنها همدیگر را به صورت کامل می بخشند، به همان گونه ای که خدا آنها را در مسیح بخشید. هیچکس بی جهت چیزی را به دیگری نسبت نمی دهد. آنها در دیگران بدن خداوند فدییه یافته ، عادل شمرده شده ، تقدیس شده و وقف شده را تمییز می دهند. آنها همدیگر را در مسیح و از طریق مسیح بی گناه می بینند، به همان گونه ای که خدا آنها را بی گناه می بیند. آنها نه بواسطه جسم بلکه بواسطه روح همدیگر را می شناسند. همانطوری که نان بدون خمیر مایه است ، جماعت نیز باید عاری از هر چیزی باشند که با مسیح و کلام او تطابق نمی کند. خداوند عبارت "خمیر مایه" را در رابطه با آموزه های دروغین فریسیان مذهبی به کار می برد. او می گوید: "پس چرا نفهمیدید که درباره نان شما را نگفتم که از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید؟ آنگاه دریافتند که نه از خمیر مایه نان بلکه از تعلیم فریسیان و صدوقیان حکم به احتیاط فرموده است ." (متی 16 : 11-12). پولس نیز خمیر مایه را در رابطه با زمینه روحانی به کار می برد: "فخر شما نیکو نیست آیا آگاه نیستید که اندک خمیر مایه ، تمام خمیر را مخمر می سازد؟ پس خود را از خمیر مایه کهنه پاک سازید تا فطیر تازه باشید، چنان که بی خمیر مایه هستید زیرا که فصیح ما مسیح در راه ما ذبح شده است . پس عید را نگاه داریم نه به خمیر مایه کهنه و نه به خمیر مایه بدی و شرارت ، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی ." (اول قرنتیان 5 : 6-8).

کسی که در عشاء شرکت می کند، در حضور خدا و انسانها شهادت می دهد که زندگی کهنه شرارت را پشت سر گذاشته و وارد یک زندگی تازه در امانت و حقیقت می شود. این مساله باید به راستی انجام شود و با یک زندگی شایسته (انجیل) تایید شود. سخنان به تنهایی کافی نیستند بلکه باید به راستی چنین باشد.

شام خداوند

رسول در رساله به رومیان باب 11، به عادل شمردگی کامل و به تقدیس کسانی که به کلیسای او تعلق دارند، که ثمره عمل فدی در صلیب است اشاره می کند: "اگر اولین مشتم خمیر تقدیس شده باشد بقیه آن نیز مقدس است و اگر ریشه درخت تقدیس شده باشد شاخه هایش نیز مقدس می باشند." (انجیل شریف - رومیان 11: 16). مسیح نوبرمقدس خمیراست و خاصانش نیز خمیر مقدس، و همه کسانی که از ذریت او تولد یافته اند لشگر نویرها را تشکیل می دهند. او ریشه است و ایمانداران واقعی شاخه ها هستند که میوه می آورند. عیسی تاك است و ما شاخه ها، و دقیقاً همانطوری که در پدیده های طبیعی شاخه ها غذایی خود را از ریشه تاك می گیرند و ثمره می آورند، به همین شکل کسانی که از خدا تولد یافته اند یک زندگی الهی را در خود داشته و ثمرات روح القدس را به بار می آورند. آنها با این کار ماهیت مسیح را بظهور می رسانند و بدین ترتیب آن طبیعت الهی را که در آن شریک شده اند آشکار می کنند. پطرس در این بافت می نویسد: "و به همین جهت، کمال سعی نموده، در ایمان خود فضیلت پیدا نمایید و در فضیلت، علم و در علم، عفت و در عفت، صبر و در صبر، دینداری و در دینداری، محبت برادران و در محبت برادران، محبت را." (دوم پطرس 7-1: 5). در اینجا موضوع یک آموزه و یا یک شناخت نیست، بلکه حقیقت الهی در ایمانداران. و آنچه که خواسته شده از این قرار است: "بلکه مثل آن قدوس که شما را خوانده است، خود شما نیز در هر سیرت، مقدس باشید. زیرا مکتوب است: مقدس باشید زیرا که من قدوسم. و چون او را پدر می خوانید که بدون ظاهر بینی بر حسب اعمال هر کس داوری می نماید، پس هنگام غربت خود را با ترس صرف نمایید." (اول پطرس 1: 15-17).

توضیحات لازم

عده زیادی بر پایه سنتهای غیرکتاب مقدسی که به ما منتقل شده است، واقعاً به تبدیل عناصر (نان و شراب) به خون و بدن مسیح اعتقاد دارند. اگر چنین بود چقدر وحشتناک می شد، چطور امکان دارد که چنین بدن و خون مقدسی بارها در معرض جریان طبیعی فساد پذیری قرار گرفته باشد؟ به هیچ وجه امکان چنین تصویری وجود ندارد، حتی تصورش نیز مانند کفر است!

همانطور که یهودیان در گذشته به دلیل عدم پی بردن به مفهوم روحانی سخنان خداوند، آنها را درک نکردند، به همان ترتیب مسیحیت امروز نیز در این باره دچار نوعی سردرگمی شده است. در آن زمان شنوندگان تصور کردند که خداوند می خواست آنها را به تخطی از شریعت وادارد وقتی که به آنها گفت: "و هر که جسد مرا خورد و خون مرا نوشد، حیات جاودانی دارد..." (یوحنا 6: 54)، چون همه آنها می دانستند که در لاویان 17: 10-12 چه آمده است: "و هر کس از خاندان اسرائیل یا از غریبانی که در میان شما ماوا گزینند که هر قسم خون را بخورد، من روی خود را بر آن شخصی که خون خورده باشد برمی گردانم، و او را از میان قومش منقطع خواهم ساخت. زیرا که جان جسد در خون است و من آن را بر مذبح به شما داده ام تا برای جانهای شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره می کند. بنابراین بنی اسرائیل را گفته ام: هیچکس از شما خون نخورد و غریبی که در میان شما ماوا گزیند خون نخورد." و به همین خاطر بود که یهودیان از شنیدن سخنان عیسی در این مورد دچار وحشت شدند. با این وجود باید عرض کرد که این دو نماد

زمیني تنها کاري که می کنند اینست که توجه را به امور روحاني جلب می کنند. چرا که خدا نمی تواند از يك طرف نوشیدن خون را قویاً ممنوع کند و از طرف دیگر از مومنان خود بخواهد که خون بنوشند. کسی که در نان و شراب شراکت می کند، به شراکت خویش به آنچه که بواسطه مرگ صلیب انجام پذیرفت اعتراف می کند. این شامی است که "به یاد من" برگزار می شود. فدیة در زمان برگزاری شام خداوند انجام نشد، بلکه پس از آن در جلجتا انجام پذیرفت. با این حال در زمان برگزاری عشاء رباني، عمل فدیة به صورت عینی برای ما یادآوری می شود.

شام خداوند

ما در یوحنا 6 می خوانیم که چطور نان به صورت معجزه آسا تکثیر شد و جمعیت سیر شدند. فرداي آن روز، وقتی که مردم به سراغ عیسی آمدند او به آنها چنین گفت: "...آمین آمین به شما می گویم که مرا می طلبید نه به سبب معجزاتی که دیدید، بلکه به سبب آن نان که خوردید و سیر شدید. کار بکنید نه برای خوراک فانی بلکه برای خوراکی که تا حیات جاودانی باقی است که پسر انسان آن را به شما عطا خواهد کرد، زیرا خدای پدر بر او مهر زده است." (یوحنا 6: 26-27). او از نان، گوشت و حیات ابدی صحبت می کند و کسانی که به او گوش می دادند به یاد آوردند که چطور قوم اسرائیل در عهد عتیق در بیابان تغذیه شده بودند، به همین خاطر به وی گفتند: "پدران ما در بیابان من را خوردند، چنان که مکتوب است که از آسمان بدیشان نان عطا کرد تا بخورند." (یوحنا 6: 31). عیسی این اندیشه را دنبال می کند و به آنها چنین می گوید: "...آمین آمین به شما می گویم که موسی نان را از آسمان به شما نداد، بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می دهد. زیرا که نان خدا آن است که از آسمان نازل شده، به جهان حیات می بخشد. آنگاه بدو گفتند: ای خداوند این نان راپیوسته به ما بده. عیسی بدیشان گفت: من نان حیات هستم. کسی که نزد من آید، هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آرد هرگز تشنه نگردد." (یوحنا 6: 32-35). این پاسخ واضح و آشکار راه را برای هر برداشت شخصی می بندد. همانطوری که ما با خوردن نان زمینی زندگی جسمانی داریم، به همین صورت نیز وقتی که جزئی از او که نان حیات است بشویم، تا ابد زندگی خواهیم کرد.

در اینجا خداوند خود را به عنوان نان زنده که از آسمان نزول کرده و بواسطه حیات جاوید و زندگی الهی به دنیا تقدیم می شود، معرفی می کند. او می گوید: "آمین آمین به شما می گویم هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی دارد. من نان حیات هستم. پدران شما در بیابان من را خوردند و مردند. این نانی است که از آسمان نازل شد تا هر که از آن بخورد نمیرد. من هستم آن نان زنده که از آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد ماند و نانی که من عطا می کنم جسم من است که آن را به جهت حیات جهان می بخشم." (یوحنا 6: 47-51). انجیل همین است! او خود را در بدن جسمانی اش قربانی کرد تا ما از بدنهای جسمانی خود آزاد شده و حیات جاوید را دریافت کنیم. نان الهی در زمین پخته نمی شود و غذای آسمانی را دست بشر درست نمی کند. خداوند خودش را قربانی کرد و اجازه داد وی را به صلیب بکشند تا همه کسانی که به این عمل نجات بخش تحقق یافته ایمان آورند، بواسطه او صاحب حیات جاوید شده و تغذیه روحانی خود را از او بگیرند. او نان و حیات است. ما در روح با او شراکت پیدا کرده ایم، همانطوری که وی در جسم در ما شراکت پیدا کرد. او ما را دوباره به ملکوت خود منتقل کرد.

یهودیان بین خود مباحثه کرده و می گفتند: "...چگونه این شخص می تواند جسد خود را به ما دهد تا بخوریم؟" (یوحنا 6: 52). و امروزه این مسیحیان هستند که بین خود درباره این موضوع مباحثه می کنند. همانطوری که قبلاً شرح داده ایم، منظور بره خداست که زندگی وی قربانی شد. خون وی برای آشتی بود و باید به عنوان قربانی بر مذبح برای گناهان تقدیم می شد. حیات الهی در مسیح بود، که این حیات بواسطه مرگش رها شده و به کسانی که بواسطه ایمان، نجات خدا را می پذیرند داده می شود.

آنچه که خداوند می گفت صرف به آلام و مرگش مربوط می شد. منظور آن سهم روحانی و الهی است که در خداداریم و بواسطه عیسی مصلوب به ما رسیده است. ما بواسطه تولد تازه پسران و دختران خدا می شویم. پولس این مسأله را در افسسیان 5: 30 بدین گونه عنوان می کند: "زنانرو که اعضای بدن وی می باشیم، از جسم و از استخوانهای او." از نظر انسانی هیچ کس گوشتی از گوشت او و استخوانی از استخوانهای وی نیست. از لحاظ طبیعی ما از نسل آدم هستیم، ولی از نظر روحانی ما به خلقت جدید در عیسی مسیح، خداوند ما، تبدیل شده ایم. ما به عنوان فدیة شدگان به مشارکت خدا بازگردانیده شده ایم و هم اکنون در زمین در جان خود حامل زندگی جاودانی و الهی شده ایم. از نظر عقل بشری اینها

جاهلیت هستند و به همین علت وقتی که مردم کلام خدا را ملاحظه می کنند دوباره گرفتار افکار خودمی شوند. مسائل روحانی می بایست با روشی روحانی بررسی شوند.

خداوند عیسی راه و راستی و حیات است ، او نان زنده است ، او نور عالم است ، او قیامت است و به خاطر ما همه چیز است . ما بواسطه او به حالت الهی منتقل شده ایم . عیسی کلام خدا را تفسیر نکرد، او آن را بوجود آورد و کلام دروی و بواسطه وی تمام شد. به همین دلیل او با جرات گفت : "..خوراک من آن است که خواهش فرستنده خود را به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم ." (یوحنا 4 : 34). کسی که در مراسم عشاء ربانی شرکت می کند باید حاضر شود تا در درون خود

شام خداوند

اراده خدا را که در کلام او به ما نشان داده شده به عمل آورد. برای گفتن این جمله که "غذای من انجام اراده آن کسی است که مرا رهانیده است " لازم است که فرد یک رابطه شخصی با خدا داشته باشد. ما کلام خدا را، و به همراه آن مسیح ، آن نان حیات را که از آسمان نازل شد می پذیریم . خون وی بطور موثر در ما عمل می کند، چرا که برای آشتی و رهایی ماست که ریخته شده است . او چنین می گوید: "این است نانی که از آسمان نازل شد، نه همچنان که پدران شما من را خوردند و مردند، بلکه هر که این نان را بخورد تا به ابد زنده ماند." (یوحنا 6 : 58). در پاسخ به این عبارت باب 6 بسیاری از شاگردان گفتند: "این کلام سخت است ! که می تواند آن را بشنود؟" و وقتی که این سخن به گوش رسید حتی کسانی که برای مدتی عیسی را پیروی کرده بودند واکنشی انسانی از خود بروز دادند. اگرچه او به وضوح از آن نانی که از آسمان نازل می شد به آنها گفته بود. عیسی چون مهمه آنها را دید به آنها گفت : "روح است که زنده می کند و اما از جسد فایده ای نیست . کلامی را که من به شما می گویم روح و حیات است ." (یوحنا 6 : 63). مکاشفه آنچه که خداوند گفت فقط از بالایی آید. کلام وی درباره عمل خوردن گوشتش و نوشیدن خورش از مسائل مهمی است که هنوز باعث لغزش می شود. نوشته شده است : "در همان وقت بسیاری از شاگردان او برگشته ، دیگر با او همراهی نکردند. آنگاه عیسی به آن دوازده گفت : آیا شما نیز می خواهید بروید؟ شمعون پطرس به او جواب داد: خداوندان نزد که برویم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است . و ما ایمان آورده و شناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی ." (یوحنا 6 : 66-69). همه کسانی که در پی عیسی هستند، چه این سخنان را فهمیده باشند و چه نفهمیده باشند، این شهادت را دارند. آنها ایمان دارند و نزد خداوندی مانند او خاصان خود را از مکاشفه تا مکاشفه هدایت می کند. درک این مسائل فقط در زمان مناسب داده خواهد شد.

این بحث را می توان به شکل زیر خلاصه نمود: عمل فدیہ یکبار برای همیشه بر روی صلیب در جلجتا انجام پذیرفت . لذا همه کسانی که با ایمان آن را می پذیرند، مراسم شام مقدس را به یاد آن عملی که به صورت کامل تمام شد به جا می آورند. باید نان فطیر را به تناسب تعداد شرکت کنندگان پخت و پس از آن که نان در دعا در حضور جماعت تقدیم و مبارک شد، آن را شکسته و همه کسانی که در مراسم عشاء شرکت دارند از آن بخورند، و اگر نان اضافی آمد، عده ای مجدداً نان را بخورند تا تمام شود.

سپس پیاله که حاوی شرابی است که از انگور قرمز درست شده ، در دعا تقدیم و مبارک می شود، همه کسانی که از نان خورده اند در پیاله نیز شرکت می کنند. با این عمل یادآوری می شود که خداوند بدن خود را برای ما قربانی کرد و خون خود را ریخت . در مراسم شام مقدس باید مواظب بود که از چهارچوب دستور خداوند درباره نحوه اجرای آن خارج نشویم . در جایی که این دستور رعایت نشود، آیین به سادگی به سوی بت پرستی کشیده شده و خرافات جای ایمان را می گیرد. پولس می نویسد: "محال است که هم از پیاله خداوند و هم از پیاله دیوها بنوشید. هم از مایده خداوند و هم از مایده دیوها نمی توانید قسمت برد. آیا خداوند را به غیرت می آوریم یا از او تواناتر می باشیم؟" (اول قرنتیان 10 : 21-22). در اینجا بدون شك پولس به لایوان باب 17 اشاره دارد که فریضی درباره تقدیم قربانی به قوم خدا داده شده است . در آیات 3-7 همین باب مساله بت پرستی تبیین شده و توضیح داده می شود که قربانی مقبول خدا چگونه باید انجام شود. چنین آمده است : "تا آنکه بنی اسرائیل ذبایح خود را که در صحرا ذبح می کنند بیاورند، یعنی برای خداوند به در خیمه اجتماع نزد کاهن آنها را بیاورند، و آنها را به جهت ذبایح سلامتی برای خداوند ذبح نمایند. و کاهن خون را بر مذبح خداوند نزد در خیمه اجتماع بپاشد، و پیه را بسوزاند تا عطر خوشبو برای خداوند شود. و بعد از این ، ذبایح خود را برای دیوهایی که

در عقب آنها زنا می کنند دیگر ذبح ننمایند. این برای ایشان در پشتهای ایشان فریضه دایمی خواهد بود." (لاویان 17: 5-7).

خدا دستورات و سفارشات دقیقی درباره آنچه که باید انجام می شد و همچنین نحوه انجام آنها داده بود، اسرائیلیان یقین داشتند که قربانی های خود را به طور صحیح گذرانیده اند، در حالی که فقط آنچه را که مورد پسندشان بود به جا آورده بودند. و او به وضوح از طریق (موسی) به آنها گفت که به دید وی تنها قربانیهایی که به شکل صحیح و در محل معین انجام می شدند مورد قبول او می باشند. پس هر روش دیگری، به عنوان قربانی به دیوها تلقی می شد.

کسی که به قوم خدا تعلق دارد نمی تواند هر کاری را به هر شکلی که خود می خواهد و در زمان و محلی که خود پسند کرده است به عمل بیاورد. این امر می بایست مطابق حکم خداوند انجام بشود، والا این عمل به او تقدیم نمی شود، بلکه به

شام خداوند

دیوهای تقدیم می گردد که مردم را تحریک می کنند که در پی میل خود رفته و ناطاعتی بکنند. این مساله درباره شام خداوند نیز صدق می کند. پولس به عنوان رسولی که روشنایی خدا را دریافت کرده بود این موضوع را به وضوح بیان نمود. او نمی خواست ایماندارانی که تحت تاثیر دیوها بودند در سفره خداوند سهمی داشته باشند.

در زمان رسولان هیچ بحثی درباره عشاءربانی وجود نداشت. خداوند امر کرده بود و ایمانداران عشاء را طبق دستور خداوند برگزار می کردند. آنها در سادگی، این مراسم را "شکستن نان" می نامیدند، همانطوری که در اعمال 20: 7 آمده است: "در اول هفته چون شاگردان به جهت شکستن نان جمع شدند..." عبارت "شکستن نان" حاکی از آن است که برای ایمانداران چقدر اهمیت داشته است که عشاء مطابق با دستور خداوند و به شکلی که خود او اجرا کرده بود برگزار شود. در اعمال 2: 42 آمده است: "و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت می نمودند."

همه کسانی که به راستی به کلیسای خدای زنده تعلق دارند، در مورد آموزه فوق و شکل اجرایی آن به کلام خدارجوع خواهند کرد. آنها همه چیز را در جای مناسب خود خواهند گذاشت و اجازه خواهند داد که آنها را در جایی که باید باشند بگذارند. آنها نه تفسیر می کنند و نه تفسیر خاصی را می پذیرند، و تنها چیزی که برای آنها ارزش و اهمیت دارد همان گفته کلام است. به همین دلیل کلیسای حقیقی، عشاء را "به یاد" برگزار می کند و نه برای آمرزش گناهان. در هیچ جای کتاب مقدس نیامده است که با شرکت در شام خداوند گناهان آمرزیده می شوند و در جایی که چنین تعلیمی داده شود نجات به يك آیین مذهبی وابسته خواهد شد.

هم اکنون ملکوت خدا با قوت راه را برای خود باز می کند. انجیل عیسی مسیح، خداوند مصلوب و قیام کرده ما به مرکزیت و عظم تبدیل شده است و از هر دستور کلام اطاعت می شود. بدین ترتیب کلیسا به آن موقعیت فیضی که در ابتدا داشت بازگردانیده می شود. خداوند ما اول و آخر است، آری او دیروز، امروز و تا ابد همان است. خوشبحال کسانی که به او و کلامش جایگاه برتر را می دهند و با انجام آنچه که بدیشان فرموده است، او را به عنوان خداوند خود اعتراف کرده و قبول می کنند.

کتاب مقدس بالاترین گواه و شاهد خود اوست.

شما را به خداوند عیسی می سپارم.

کشیش رضا دهقانی.

United Pentecostal church (Iranian Ministry)

